



هلموت هومباخ^۱

هلموت هومباخ در چهارم دسامبر سال ۱۹۲۱م در شهر مونیخ زاده شد. از سال ۱۹۴۶م، در دانشگاه مونیخ تحصیلات خود را در زمینه زبان‌های هندواروپایی آغاز کرد و در سال ۱۹۵۱م درجه دکتري خود را از همین دانشگاه گرفت. او در این دانشگاه از محضر استادانی چون کارل هوفمان^۲، که تا سال ۱۹۵۲م دانشیار غیررسمی دانشگاه مونیخ بود، بهره برد و به تشویق او با گاهان زردشت، درون‌مایه اصلی اوستا، آشنا شد و به این ترتیب اساس ترجمه گاهان پی‌ریزی شد (هومباخ ۱۹۵۹: ۸، ۱۹۷۹: ۲۶۳؛ هومباخ و فایس ۲۰۱۰: نه).

شیوه پژوهش هوفمان در رابطه با تجزیه و تحلیل‌های دستوری و تعابیر متون اوستایی براساس شیوه کریستین بارتلمه^۳ در *واژه‌نامه ایرانی باستان*^۴ است. این شیوه را شاگردان سرشناس او همچون هلموت هومباخ، یوهانا نارتن^۵، برنارد فورسمان^۶ و گرت کلینگن‌اشمیت^۷ نیز در مطالعات و پژوهش‌های خود به‌کار بردند (اشمیت ۲۰۰۱: ۵۳۶). ولی در حدود سال ۱۹۵۰م، هوفمان هنگام بررسی صرف و نحو افعال سنسکریت ودایی

1) Helmut HUMBACH
2) Karl HOFFMANN
3) Christian BARTHOLOMAE
4) *Altiranisches Wörterbuch*, 1904.
5) Johanna NARIEN
6) Bernard FORSSMANN
7) Gert KLINGENSCHMITT

که بارتلمه از کهن‌ترین متون زبان سنسکریت به دست داده بود، دربارهٔ اعتبار این شیوه دچار شک و تردید روزافزون شد و این شیوه را نیازمند بازبینی دید. او خود به بازبینی این شیوه اقدام نکرد، اما از گرایش هومباخ به این کار استقبال کرد. با این اقدام علاوه بر رفع مشکلات بی‌شمار زبان‌شناختی و واژه‌شناختی، هومباخ علاقه‌مند شد که گاهان را نه از دیدگاه اثری دینی، بلکه به‌عنوان شعری باستانی بررسی کند (هومباخ و فایس ۲۰۱۰: نه). او مقدمهٔ کار خود را به مطالعات سبک‌شناسی و نقد متونی اختصاص داد که زمینهٔ تصحیح *واژه‌نامهٔ ایرانی باستان* بارتلمه را در طیف گسترده‌ای فراهم می‌کرد (مالاندرا ۲۰۰۱: ۳۲۹).

تحقیقات بر روی گاهان از نیمهٔ دوم قرن ۱۹ آغاز شده بود. در آن زمان شناخت دستوری این متن هنوز ناقص بود و ترجمه‌های آن نیز تنها منعکس‌کنندهٔ عقاید دوران ساسانی براساس ترجمه‌های زنده بود. این ترجمه‌ها اساس کار برای ترجمه‌های بعدی گاهان شدند و این روند ادامه یافت تا در سال ۱۹۵۴م، اولین نسخهٔ کار هومباخ به‌عنوان رسالهٔ دورهٔ فوق دکتری او در دانشکدهٔ لودویگ-ماکسیمیلیان دانشگاه مونیخ پذیرفته شد. او تا سال ۱۹۵۶م از مباحث آزاد و پرشور فضای همایش‌های زبان‌شناسی مونیخ زیر نظر فردیناند زومیر^۱ و ویلهلم ویسمان^۲ استفاده کرد و این زمان را اقبالی نیک برای خود می‌دانست (هومباخ ۱۹۵۹: ۸؛ دریایی ۱۳۷۴: ۲۲۲). در همین سال به دانشگاه زاربروکن^۳ رفت و تا سال ۱۹۶۱م استاد زبان‌شناسی تطبیقی و مطالعات شرق‌شناسی آن دانشگاه بود (هومباخ ۱۹۷۹: ۲۶۳).

هومباخ در سال ۱۹۵۹م، براساس ریگ‌ودا، ترجمهٔ جدید خود را از گاهان منتشر کرد (دریایی ۱۳۷۴: ۲۲۲). پیش از انتشار این اثر، چیزی به‌عنوان اوستایی کهن و متأخر شناخته شده نبود. گاهان هومباخ، نخستین نوآوری در فاصله گرفتن از شیوهٔ بارتلمه به‌لحاظ زبان‌شناختی و نقطهٔ عطفی در مسیر پژوهش‌های اوستایی محسوب می‌شد. او آغازگر تفسیری نو از اوستای گاهانی‌ست و در بررسی‌های جدید خود در متون اوستایی، نگرش گذشته را دربارهٔ تفسیر گاهان که بارتلمه بنیان‌گذار آن بود، درهم

1) Ferdinand SOMMER
2) Wilhelm WISSMANN
3) Saarbrücken

شکست. هومباخ ۱۷ سرود از پیکره‌گاهان را در اصل نظم ندانسته و آنها را شبیه به ریگ‌ودا دانسته است و بر این تقسیم‌بندی استوار ماند (کلنز ۲۰۱۷: ۹؛ مالاندرا ۲۰۰۱: ۳۲۹). او در این اثر کوشیده است که هنگام ترجمه متن، برداشت‌های ذهنی را با دلایل زبان‌شناختی‌ای جایگزین کند که از طریق بررسی‌های زبانی و مطالعه متون مشابه کسب شده باشد (هومباخ ۱۹۵۹: ۷) و برای دستیابی به ترجمه‌ای دقیق و گویا، توضیحاتی را بر هر واژه افزوده و برای نزدیک‌تر کردن خواننده به فحوای دقیق سخنان زردشت، برای هر قطعه نیز توضیح مفصلی در راستای تأکید نقش سنتی پیامبر به‌عنوان روحانی آورده است (مالاندرا ۲۰۰۱: ۳۲۹).

پس از سال ۱۹۵۹م، هومباخ مقالات بی‌شماری درباره زبان اوستایی، تعبیر و تفسیر موضوعات آن نوشت. او در همه جنبه‌های واجی، صرفی، نحوی، معناشناختی و ریشه‌شناختی به شیوه استادش کارل هوفمان، پایبند بود و با تجزیه و تحلیل‌های خود در زمینه دستور زبان اوستایی بر نظرات او صحنه نهاد (کلنز ۲۰۱۷: ۹؛ اشمیت ۲۰۰۱: ۵۳۶). این ترجمه گرچه روشنگر ساختار کلام و تفسیر جدیدی از این سرودها بود، اما هنوز از نظر ترجمه، اثری گنگ و مبهم محسوب می‌شد (دریایی ۱۳۷۴: ۲۲۳). هانس پتر اشمیت^۱، ایلیا گرشویچ^۲ و اوتاگر کلیما^۳ بر این کتاب نقد نوشتند. از سال ۱۹۵۹م، هومباخ دوره‌ای را نیز به پژوهش در زمینه زبان‌های ایرانی میانه، بلخی، سغدی و خوارزمی اختصاص داد و در سال ۱۹۶۱م، به دانشگاه یوهانس گوتنبرگ شهر ماینتس پیوست و تا زمان بازنشستگی در سال ۱۹۹۱م، به پژوهش و آموزش در زمینه زبان‌شناسی تطبیقی و زبان‌شناسی هندواروپایی پرداخت (کلنز ۲۰۱۷: ۹؛ هومباخ ۱۹۷۹: ۲۶۳). از دیگر آثار هومباخ در سال ۱۹۶۰م، کتیبه کانیسکا در سرخ‌کتل است.^۴ هومباخ از این کتاب به‌عنوان شاهدهی بر کیش مهر در ایران یاد کرده است.

در سال ۱۹۶۱م، والتر هینتس در کتاب خود با عنوان زردشت^۵، همچون اثر

1) Schmid, H.P., *DZMG* 111, 1961, pp. 211-222.

2) Gershevitch, I., *BSOAS* 25, 1962, pp. 367-370.

3) Klima, O., *Archiv Orientalni* 29, 1961, pp. 136-141.

4) Humbach, H., *Die Kaniška-Inschrift von Surkh-Kotal*, Wiesbaden, 1960.

5) Hinz, W., *Zarathustra*, Stuttgart, 1961.

دوشن‌گیمن^۱، ترجمه متن را پس از ویژه‌نگاشتی درباره زردشت و دین او آورده است. هیتس در این اثر خود، توضیحات زبان‌شناختی را با احتیاط بیشتری از دیگر دانشمندان آورده است. در سال ۱۹۶۲م، شلرات در مقاله‌ای با عنوان «گاهان زردشت» ترجمه‌های هیتس و هومباخ از گاهان را نقد کرد.^۲

استنلی اینسلر در سال ۱۹۷۵م، براساس متن گاهان که هومباخ در سال ۱۹۵۹م منتشر کرده بود، با هدف رفع مشکلات موجود در متن، دستور زبان، واژگان و خصوصاً نحو گاهان ترجمه دیگری را از گاهان ارائه داد و بسیاری از نارسایی‌های کار هومباخ را برطرف کرد. او با تأکید بر جنبه‌های استعاره‌ای هنر سرایش زردشت به منظور فهم بهتر آموزه‌های پیامبر، تفاسیر آیینی هومباخ را مورد انتقاد قرار داده است (اینسلر ۱۹۷۵: ۲-۳؛ مالاندرا ۲۰۰۱: ۳۲۹).

هومباخ در دوره‌ای که بر روی پژوهش زبان‌های ایرانی میانه شرقی متمرکز شده بود، به اهمیت ترجمه متون پهلوی برای درک متون اوستایی پی برد (کلنز ۲۰۱۷: ۱۰). لذا در سال ۱۹۸۱م بر آن شد که اثر دو جلدی خود از ترجمه گاهان را که در سال ۱۹۵۹م منتشر کرده بود، به زبان انگلیسی مورد بازبینی قرار دهد. ویرایش نخست جلد اول این کتاب (مقدمه، متن و ترجمه) را با همکاری پرودز اکتور شروو به انجام رسانید ولی پس از آن شروو به‌عنوان ویراستار *دائرةالمعارف ایرانیکا* در نیویورک منصوب شد و ادامه همکاری ناتمام ماند. در سال‌های بعد هر زمان که هومباخ فرصت می‌یافت، وقت خود را به آماده کردن جلد دوم کتاب خود اختصاص می‌داد و سرانجام در سال ۱۹۹۱م، با همکاری یوزف الفنباین ویرایش جلد دوم کتاب خود را نیز به‌انجام رسانید.^۳ این اثر به‌طور کلی با ترجمه هومباخ از گاهان در سال ۱۹۵۸م متفاوت است. در اینجا بسیاری از موضوعات با وضوح بیشتری بیان شده‌اند (مالاندرا ۲۰۰۱: ۳۳۰؛ هومباخ ۱۹۹۱: هفت). در سال ۱۹۹۲م گاردو نیولی^۴ و در سال ۱۹۹۳م والتر زوندرمان^۵ بر این کتاب

1) DUCHESNE-GUILLEMIN, J. *Zoroastre: Étude critique avec une traduction commentée des Gâthâ*, Paris, 1948.

2) SCHLERATH, B., "Die Gâthas des Zarathustra", *OLZ* 57, 1962, pp. 565-589.

3) HUMBACH, H., *The Gâthas of Zarathustra and the Other Old Avestan Texts*, in collaboration with J.

ELFENBEIN and P. O. SKJÆRVØ, Heidelberg, 1991.

4) GNOLI, Gh., *East and West* 42, 1992, pp. 519-527.

5) SUNDERMANN, W., *Kratylos* 38, 1993, pp. 50-66.

نقد نوشتند. نگرش او در زمینه اهمیت ترجمه متون پهلوی در درک اوستا، روند تازه‌ای را در تفسیر *گاهان* آغاز کرد و جهشی نوین در ایران‌شناسی پدید آورد (کلنز ۲۰۱۷: ۱۰). او با این نگرش، یشت ۱۹، *زامیادیشست*، را همراه با ترجمه و تفسیر با همکاری ایچاپوریا منتشر کرد.^۱ در سال ۱۹۸۸-۱۹۹۱م، ژان کلنز و اریک پیرار ترجمه کامل خود را از *گاهان* در سه جلد منتشر کردند.^۲ این اثر با به‌چالش کشیدن رویکرد آیینی و سنتی ترجمه و تفاسیر هومباخ به *گاهان*، در برخی موارد از آن پیشی جسته است (مالاندرا ۲۰۰۱: ۳۳۰). از دیگر تألیفات هومباخ در این زمان *ایریدستان: متنی اوستایی-پهلوی* است که در سال ۱۹۹۰م با همکاری یوزف الفنباین در مونیخ منتشر شد.^۳ میراث زردشت، ترجمه دیگری از *گاهان* است که هومباخ در سال ۱۹۹۴م، با همکاری ایچاپوریا منتشر کرد.^۴ در این اثر، او کوشیده است به‌قصد استفاده آسان‌تر و دسترسی راحت‌تر به متن منظوم و دینی *گاهان*، بدون دور شدن از متن اصلی و بدون استفاده از ویژگی‌های نحوی اوستایی که در مغایرت با زبان انگلیسی است، این مهم را به انجام برساند (هومباخ و ایچاپوریا ۱۹۹۴: ۹).

تفاوت عمده ترجمه‌های مختلف *گاهان*، به دلیل رویکردهای متفاوت و برداشت‌های فردی مترجمان نسبت به متن *گاهان* است و این تفاوت‌ها تا جایی است که گویی هریک کتابی متفاوت را ترجمه کرده‌اند (دریایی ۱۳۷۴: ۲۲۲). هوفمان، هومباخ، نارتن و کلنز، بررسی سنتی را برای *گاهان* نمی‌پسندند و شیوه کار آنان در ترجمه و تفسیر *گاهان*، مقایسه آنان با متون ودایی و تجزیه و تحلیل ساختاری واژه‌هاست (راشدمحصل ۱۳۸۲: ۷۷). اختلاف نظر اساسی هومباخ و کلنز با اینسler در چگونگی این سرودهاست. هومباخ و به‌ویژه کلنز *گاهان* را سرودهای تشریفات مذهبی می‌دانند که تنها برای اجرای مراسم زرشتی سروده شده است (دریایی ۱۳۷۴: ۲۲۲)، ولی اینسler، *گاهان* را حاوی نگرشی معنوی و اخلاقی می‌داند و درعین حال توجه آن را بر آیین‌ها و آداب انکار نمی‌کند (اینسler ۱۹۷۵: ۲۲؛ راشدمحصل ۱۳۸۲: ۷۷). از دید هومباخ *گاهان* تنها اثری

1) Humbach, H. and Ichaporia, P., *Zamyad Yasht*, Wiesbaden, 1998.

2) Kellens, J. and Pirart, E., *Les textes vieil-avestiques*, 3 vols., Wiesbaden, 1988-1991.

3) *Ērbedestān: An Avesta-Pahlavi Text*, Edited and Translated by H. Humbach in cooperation with J. Elfenbein, München, 1990.

4) Humbach, H. and Ichaporia, P. *The Heritage of Zarathushtra*, Heidelberg, 1994.

اخلاقی نیست بلکه بخش‌های مهمی از گاهان راز و نیاز زردشت با خدای بزرگ است. نیبرگ از عرفان زردشت سخن می‌گوید و او را مردی صاحب‌دل می‌شمارد (همان‌جا). شور و هیجان هومباخ نسبت به گاهان هیچ‌گاه فروکش نکرد و در سال ۲۰۱۰م، با همکاری کلاوس فایس کتاب *زردشت و مخالفان او* را منتشر کرد. او در مقدمه این کتاب به توضیح درباره مخالفان زردشت و نیز گسترش مزدپرستی در مشرق زمین پرداخته است. سپس در بخش بعدی متن گاهان را همراه با تجدید نظر در متون منتشر شده در سال‌های ۱۹۵۹ و ۱۹۹۱م آورده است.

دوستان و همکاران هومباخ در طول زندگی پربار او سه جشن‌نامه به او هدیه کردند: در سال ۱۹۸۶م، در شصت و پنجمین سال زندگی او، رودیگر اشمیت و پرودز اکتور شروو به پاس خدمات ارزنده هومباخ در زمینه مطالعات ایرانی، مجموعه مقالاتی را در زمینه مطالعات ایرانی پیش از اسلام، کتیبه‌های فارسی میانه و پارتی، متون سغدی بودایی و فارسی نو با عنوان *مطالعات دستور زبان ایرانی* منتشر کردند. در سال ۲۰۰۱م نیز جشن‌نامه‌ای به کوشش ماریلا گابریلا اشمیت و والتر بی‌سنگ به مناسبت هشتادمین سالگرد تولد هومباخ منتشر شد.^۱ در این جشن‌نامه مقالاتی در زمینه‌های ایران‌شناسی پیش از اسلام، هندشناسی، زبان‌شناسی کلاسیک و غیره منتشر شده است. سومین شماره نشریه *مطالعات ایرانی و تورانی* نیز به مناسبت نود و پنجمین زادروز هلموت هومباخ در سال ۲۰۱۷م به سرپرستی آلبرتو کانترا در شهر خیرونا^۲ کشور اسپانیا منتشر شد. در این نشریه تعداد ۹ مقاله از اوستاشناسان مشهور دنیا به زبان‌های انگلیسی و فرانسه ارائه شده است.

گستره پژوهش‌های هومباخ آیین زردشت، ایران‌شناسی، تاریخ مناسبات میان ایران و هند و کتیبه‌خوانی است. آثار او در زمینه زبان‌های هندواروپایی و خصوصاً ایران‌شناسی و زبان‌های آسیای شرقی همچون بلخی، خوارزمی و سغدی توجهات بین‌المللی را به خود جلب کرد. او با پژوهش‌های ارزنده‌ای که از خود به یادگار نهاد، راه مطالعات تطبیقی را برای گونه‌های زبان‌های ایرانی هموار کرد. هلموت هومباخ که با بازسازی و

1) Schmidt, M.G., and Bisang, W., *Philologica et Linguistica, Historia, Pluralitas, Universitas: Festschrift für Helmut Humbach zum 80. Geburtstag am 4. Dezember 2001*, Trier, 2001.

2) Girona

ترجمه کلام زردشت شهرت جهانی یافت، در ۳ آوریل ۲۰۱۷ چشم از جهان فروبست. از او حدود ۱۴۰ عنوان مقاله و ۴۶ نقد کتاب در نشریات معتبر منتشر شده است. عناوین برخی از آنها به شرح زیر است:

کتاب‌ها:

1. *Baktrische Sprachdenkmäler*, 2 vols., Wiesbaden 1966-1967.
2. *Die aramäische Inschrift von Taxila*, Mainz, 1969.
3. *Vaeθā Nask*, in Cooperation with K. M. JAMASPASA, Wiesbaden, 1969.
4. *Pursišnīhā*, in Cooperation with K. M. JAMASPASA, 2 vols., Wiesbaden, 1971.
5. *The Sassanian Inscription of Paikuli* (3 vols. in 4 parts), in Cooperation with P. O. Skjærvø, Wiesbaden, 1978-1983.

مقالات:

1. "Genita Mana", *Münchener Studien zur Sprachwissenschaft* 7, 1955, p. 55.
2. "Gathisch-awestische Verbalformen", *Münchener Studien zur Sprachwissenschaft* 9, 1956, pp. 66-78.
3. "Ahura Mazdā und die Daēvas", *Wiener Zeitschrift für die Kunde Süd- und Ostasiens*, 1957, pp. 81-94.
4. "Gathisch und Jungawestisch", *WZKS* 2, 1958, pp. 22-32.
5. "Der iranische Mithra als Daiva", *Festgabe für H. Lommel*, Wiesbaden, 1960, pp. 75-79.
6. "Die Götternamen der Kušān-Münzen", *ZDMG* 111, 1961, pp. 475-479.
7. "Avestan pairigaēθa- and apairi.gaēθa-", *Dr. J. M. Unvala Memorial Volume*, Bombay, 1964, pp. 271-272.
8. "Studien zur Kontinuität des avestischen Wortgebrauchs", *MSS* 33, 1975, pp. 51-60.
9. "Die sogdischen Inschriftenfunde vom oberen Indus [Pakistan]", *Algemeine und vergleichende Archäologie, Beiträge* 2, 1980 [1981], pp. 201-228.
10. "Choresmian", R. Schmitt (ed.) *Compendium Linguarum Iranicarum*, Wiesbaden, 1989, pp. 193-203.
11. "The Gathas and Their Pahlavi Translation", *K. R. Cama Oriental Institute, Second International Congress Proceedings*, Bombay, 1996, pp. 259-265.
12. "'Wind', An Old Iranian Deity", *Electronic Journal of Vedic Studies* 21, 2014 Issue, 2, pp. 5-7.

نقد کتاب:

1. "F. Altheim, *Awestische Textgeschichte*", Halle 1949", *OLZ* 50, 1955, pp. 540-542.
2. "J. Wackernagel, *Altindische Grammatik*, II, 2, Göttingen 1954", *DLZ* 78, 1957, pp. 298-301.
3. "J. Duchesne-Guillemin, *The Western Response to Zoroaster*, London 1958". *OLZ* 55, 1960, pp. 512-515.
4. "R. Göbl, *Die Drei Versionen der Kaniška-Inschrift von Surkh-Kotal*, Vienna 1965", *DLZ* 87, 1966, pp. 876-878.
5. "R. N. Frye, *Bukhara, The Medieval Achievement*, Oklahoma 1965" *IJJ* 12, 1969-1970, pp. 47-48.
6. "R. E. Emmerick, *Saka Grammatical Studies*, London 1968", *ZDMG* 121, 1971 [1972], pp. 394-396.
7. "D. N. MacKenzie, *The Sūtra of the Causes and Effects of Actions in Sogdian*, London 1970", *ZDMG* 122, 1972, pp. 389-390.
8. "P. Thieme, *Kleine Schriften*, Wiesbaden 1971", *Erasmus* 24, 1972, pp. 784-785.
9. "H. W. Bailey, *Khotanese Texts*, 2nd Edition, Cambridge 1969", *ZDMG* 123, 1973, pp. 173-174.
10. "W. B. Henning, *A Fragment of a Khwarezmian Dictionary*, London 1971", *ZDMG* 124, 1974, pp. 175-176.

مریم رضایی

منابع:

دریایی، تورج، ۱۳۷۴، «زرتشت و اوستای باستانی (تألیف ژان کلنز)»، *ایران‌شناسی*، س ۷، ش ۱، ص ۲۲۱-۲۲۶.

راشدمحصل، محمدتقی، ۱۳۸۲، *اوستا: ستایش‌نامه راستی و پاکی*، تهران.

Humbach, H., 1959, *Die Gathas des Zarathustra*, Heidelberg .

_____, 1979, "Helmut Humbach", *Acta Iranica* 20, Leiden, pp. 263-272.

_____, 1991, *The Gāthās of Zarathushtra and the Other Old Avestan Texts*, Heidelberg.

Humbach, H. and Ichaporia, P., 1994, *The Heritage of Zarathushtra*, Heidelberg.

Humbach, H. and Faiss, K., 2010, *Zarathustra and His Antagonists*, Wiesbaden.

Insler, S., 1975, *The Gāthās of Zarathustra*, *Acta Iranica* 8, Téhéran and Liège.

- KELLENS, J., 2017, "Préface", *Estudios Iranios y Turanios: Homenaje a Helmut Humbach en su 95^o aniversario*, ed. A. CANTERA and J. FERRER-LOSILLA, Girona, pp. 9-10.
- MALANDRA, W. W., 2001, "Gathas ii. Translations", *Encyclopaedia Iranica*, vol. 10, pp. 327-330.
- SCHMITT, R., 2001, "Germany iii. Iranian Studies in German: Pre-Islamic Period", *Encyclopaedia Iranica*, vol. 10, pp. 530-543.
- SCHMITT, R. und SKJÆRVØ, P. O., 1986, *Studia Grammatica Iranica: Festschrift für Helmut Humbach*, München.

